



## واکاوی تجارب مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس

(مطالعه موردی: مدارس پسرانه متوسطه اول شهر اصفهان)

**Health Educators' Experiences of Sex Education in Schools Case Study: Lower Secondary Boys' Schools in Isfahan**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

A. H. Jannatiyan

F. Vasefiyan (Ph.D)

B. Shahtalebi (Ph.D)

امیرحسین جنتیان<sup>۱</sup>فرزانه واصفیان<sup>۲\*</sup>بدری شاه طالبی<sup>۳</sup>

**Abstract:** The present study was conducted to analyze the experiences of health educators from sex education in schools, using a qualitative research approach and data-based theory method (systematic approach). The participants were 30 health educators from the lower secondary schools in Isfahan, Iran. The purposeful-theoretical sampling method and data collection technique was semi-structured in-depth interview. Data analysis was done using three open, central and selective coding methods. The findings of the research showed that the teachers' experiences of sex education in schools around many main categories and the form of components of the paradigm model, including causal conditions (family ecosystem, social ecosystem and educational ecosystem), intervening conditions (virtualization of sexual understanding and discourse limitations), background conditions (educational unreality and variability of resources), strategies (reconstruction of the family system, reconstruction of the educational system, institutional interactionism and cultural alignment) and consequences (individual and social consequences) and a core or core category under the title of inclusive sex education are tied.

**Keywords:** sex education, curriculum, lower secondary schools, health educators, Isfahan

**چکیده:** مقاله حاضر با هدف واکاوی تجارب مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس، با استفاده از رویکرد کیفی پژوهش و روش نظریه داده‌بنیاد (رویکرد سیستماتیک) به انجام رسیده است. مشارکت‌کنندگان تعداد سی نفر از مربیان بهداشت مدارس متوسطه اول شهر اصفهان بوده‌اند. شیوه نمونه‌گیری هدفمند - نظری و تکنیک گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از سه شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گردید. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که تجارب مربیان از آموزش جنسی در مدارس پیرامون تعدادی مقوله اصلی و در قالب اجزای مدل پارادایمی شامل شرایط علی (زیست‌بوم خانوادگی، زیست‌بوم اجتماعی و زیست‌بوم آموزشی)، شرایط مداخله‌گر (مجازی شدن فهم جنسی و محدودیت‌های گفتمانی)، شرایط زمینه‌ای (واقعیت‌گریزی آموزشی و تغییرپذیری منابع)، راهبردها (بازسازی نظام خانوادگی، بازسازی نظام آموزشی، تعامل‌گرایی نهادی و هم‌راستایی فرهنگی) و پیامدها (پیامدهای فردی و اجتماعی) و یک مقوله هسته‌ای مرکزی تحت عنوان «آموزش جنسی فراگیر» صورت‌بندی شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش جنسی، برنامه درسی، مدارس متوسطه اول، مربیان بهداشت، اصفهان

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران

amirhoseinjannatian@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران (نویسنده مسئول)،

farzaneh\_vasefian@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

b\_shahtalebi2005@yahoo.com

## ۱. مقدمه

نظام آموزشی هر جامعه‌ای با ابعاد متنوعی از زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان به اشکال مختلف درگیر است. شاید بتوان گفت یکی از پرچالش‌ترین این ابعاد، آموزش مسائل جنسی است که در دنیای مدرن و تحت تأثیر تحولات و تغییرات مربوط به تکنولوژی‌های نوین و قرار گرفتن نوجوانان در معرض انواع و اقسام محرک‌های جنسی، وضعیتی پیچیده و آسیب‌زا پیدا کرده است. در واقع در دنیای مدرن مسائل جنسی نوجوانان متأثر از تحولات حوزه فناوری و گسترش استفاده از فضای مجازی نوعی دگرگونی گسترده و عمیق را تجربه می‌کند که این موضوع منجر به پیچیده‌تر شدن وضعیت مسائل جنسی و در نتیجه بروز انواع و اقسام انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و رفتاری در میان نسل نوجوان و جوان جامعه شده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت مسائل جنسی دانش‌آموزان در آینده نزدیک امکان تبدیل شدن به یک بحران برای نظام آموزشی را دارد. مسائل و آسیب‌هایی که الگوهای آموزش جنسی رایج به نحو مطلوب و کارآمدی امکان مواجهه منطقی و عقلانی با آن‌ها را ندارند. بنابراین تدوین الگوهای جدید آموزش جنسی مبتنی بر واقعیت‌های این حوزه و تجربیات کنشگران درگیر با این پدیده به‌منظور مدیریت مطلوب و مؤثر آن، ضرورتی غیرقابل‌انکار و اجتناب‌ناپذیر است.

آموزش جنسی اساساً تلاش برای جامعه‌پذیری جنسی و تنظیم الگوها و رفتارهای جنسی است. دیدگاه‌های نظری مختلف بحث آموزش جنسی و لزوم تغییر و تنظیم رفتارهای جنسی را مورد تأکید قرار داده‌اند. دکلمنته<sup>۱</sup> و پروچسکایا<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) الگویی از تغییر رفتار را ارائه داده‌اند که برای آموزش جنسی و تدوین برنامه‌های آموزش جنسی از آن استفاده شده است. بر مبنای این الگو تغییر رفتار فرآیندی پنج‌مرحله‌ای پیش‌تأمل (عدم وجود هیچ‌گونه قصد و نیت فرد برای تغییر رفتار در آینده)، تأمل (شروع بررسی تغییر رفتار) آمادگی (متعهد شدن فرد به تغییر رفتار و برداشتن قدم‌هایی برای تغییر) عمل (به وقوع پیوستن رفتار جدید و درگیری فردی با رفتارهای سلامت‌محور) پایداری (حفظ رفتار به طور باثبات و انجام فعالیت‌هایی برای پیشگیری از بازگشت آن) (رزاقی، ۱۳۹۵: ۳۹). فیشر و فیشر<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) با ترکیب سه عنصر اطلاعات، انگیزش و

---

1. Diclemente  
2. Prochaska  
3. Fisher & Fisher

مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...

مهارت‌های رفتاری، الگویی کاربردی برای آموزش جنسی ارائه داده‌اند. این سه عنصر مفاهیم اساسی هستند که آموزش‌دهندگان و دریافت‌کنندگان برنامه به‌سادگی آن را درک می‌کنند. دیلوریو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) با بهره‌گیری از نظریه شناختی اجتماعی باندورا، بحث تعامل والدین و فرزندان در زمینه مسائل جنسی را به‌عنوان مضمون مرکزی آموزش جنسی مورد بحث قرار داده‌اند. کرکلر<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) معتقد است سه عامل اساسی مطرح در برنامه جامع تربیت جنسی خانواده‌ها شامل آگاهی‌های جنسی، اخلاق جنسی و آینده جنسی است (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳). دلاماتر<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) با بیان اینکه آموزش جنسی فرآیند درازمدت کسب اطلاعات درباره زندگی خصوصی، هویت جنسی، روابط و درعین‌حال یک فرآیند تغییر رفتار است، برنامه‌های آموزش جنسی را در چهار گروه برنامه‌های مبتنی بر خویشن‌داری<sup>۴</sup>، برنامه‌های بیش از خویشن‌داری<sup>۵</sup>، برنامه‌های پیشگیری از ایدز، و برنامه‌های جامع آموزش جنسی تقسیم‌بندی می‌کند (رزاقی، ۱۳۹۵: ۲۰). به‌طورکلی رویکردها و نظریات مختلف دیدگاه‌های متفاوتی را در زمینه آموزش جنسی ارائه می‌دهند، با این حال آنچه عموماً در همه این نظریات مورد تأکید قرار دارد ضرورت آموزش جنسی، فرآیندی بودن و رسمی‌بودن آن است.

همچنین باید گفت در موضوع آموزش و تربیت جنسی می‌توان دو نوع دیدگاه یا رویکرد متفاوت را در پیش گرفت. نخست، نگاه یا رویکرد تجویزی است که وضعیت مطلوب تربیت جنسی را با پذیرش یک نگاه فلسفی یا دینی خاص ترسیم می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که تربیت جنسی باید چنین باشد و چنان نباشد. نگاه یا رویکرد دیگر، رویکرد توصیفی-تبیینی است. بدین معنا که تبیین وضع موجود تربیت جنسی با دیدی تحلیلی مورد توجه واقع شده است، به‌طوری که بتوان مبانی و پیش‌فرض‌ها و گرایش اساسی آنچه در حال حاضر عمل شده و واقع می‌شود را تشخیص داد و آشکار کرد (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷). برنامه جامع آموزش جنسی<sup>۶</sup> (CSE) به‌عنوان یکی از برنامه‌های جهانی در قالب رویکرد تجویزی توسط یونسکو طراحی و در

---

1. Diiorio, Mccarty & Denzmore,

2. Crcler

3. Delamater

4. Abstinence Only Sexuality Education

5. Abstinence Plus Sexuality Education

6. Comprehensive Sexual Education

کشورهای مختلف به اجرا گذاشته شده است ولی نتایج پژوهش‌ها (برای مثال کیاخ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸؛ نیمبلی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹) بیانگر این است که این برنامه به دلایل فرهنگی، عدم تمایل دانش‌آموزان به مشارکت در آن، نبود بودجه کافی برای اجرای برنامه و غیره با چالش‌هایی مواجه بوده است و نتوانسته موفق عمل کند. بنابراین به نظر می‌رسد رویکرد توصیفی-تبیینی به دلیل مراجعه به واقعیت‌های موجود و درگیری با تجارب زیسته کنشگران اصلی فعال در حوزه آموزش جنسی امکان مواجهه منطقی‌تر و عقلانی‌تر با مسائل و چالش‌های مرتبط با این حوزه را فراهم می‌کند. نتایج پژوهش‌های انجام شده در خصوص آموزش جنسی در سایر کشورها بیانگر این است که بیشتر دانش‌آموزان آموزش جنسی را یک ضرورت برای غلبه بر بیماری‌های اجتماعی و آسیب‌های روانی-اجتماعی در میان نوجوانان مدارس می‌دانند (مُطلب و محمد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). مهم‌ترین هدف تربیت جنسی از نظر معلمان آن است که حس مسئولیت و آگاهی از واقعیت‌های مسائل جنسی را به دانش‌آموزان آموزش دهد. همچنین دانش‌آموزان پسر در مقایسه با دانش‌آموزان دختر، نقش بیشتری را برای تربیت جنسی در زمینه رشد دانش و آگاهی‌های جنسی قائل هستند (کونتالا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). توجه به تنوع جنسی، آشنایی با مسائل جنسی، پیشگیری از خشونت جنسی، ایجاد روابط سالم، پیشگیری از سوءاستفاده جنسی از کودکان، بهبود یادگیری اجتماعی و عاطفی و افزایش سواد رسانه‌ای از جمله مضامین مهم در برنامه‌های آموزش جنسی هستند (گولدفارب و لیبرمن<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). آموزش جنسی از طریق بازی می‌تواند بسیاری از موانع موجود بر سر راه تربیت جنسی را از بین ببرد و موجب تسهیل آموزش جنسی شود (گیلیام و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶). والدین و خانواده‌ها نسبت به انتقال و آموزش مسائل جنسی به فرزندان خود دارای اعتماد و اطمینان کافی نیستند و ترجیح می‌دهند معلمان و مدارس این آموزش‌ها را ارائه دهند (ناگپال و فرناندز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش انجام‌شده در ایران در خصوص آموزش مسائل جنسی نیز بیانگر این است که بیشترین نمره نگرش به آموزش جنسی به گزاره آموزش جنسی برای برخورد صحیح با مسائل

1. Keogh
2. Nyimbili
3. Mutalip & Mohamed
4. Kontula
5. Goldfarb & Lieberman
6. Gilliam; Jagoda; Heathcock; Orzalli; Saper; Dudley & Wilson
7. Nagpal & Fernandes

مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ... دوران بلوغ و کمترین نمره به عبارت طرح آزادانه امور جنسی سبب انحراف می‌شود تعلق گرفته است (عزیززاده فروزی و همکاران، ۱۳۸۰). مضامین ناظر بر اهداف برنامه درسی تربیت جنسی در سه سازه اصلی (شناختی، نگرشی، مهارتی) قرار می‌گیرند (بیگی و همکاران، ۱۳۹۶). تربیت و آموزش جنسی اهمیتی اساسی در نظام آموزشی دارد و دبیران و دانش‌آموزان بر اهمیت گنجاندن محتوا و تجارب یادگیری مرتبط با تربیت جنسی در دوره متوسطه تأکید کرده‌اند (امینی و همکاران، ۱۳۹۷). گفتمان حاکم بر تربیت جنسی آموزش و پرورش ایران «گفتمان مهار» است. از ویژگی‌های این گفتمان در تربیت جنسی توجه بیشتر به جنبه‌های سلبی تربیت جنسی است. بازنمایی این گفتمان از واقعیت میل جنسی به‌گونه‌ای است که بیش از آنکه به فرصت‌های میل جنسی در زندگی سعادت‌مندان متری نگاه کند به تهدیدهای غریزه جنسی توجه دارد (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). در بین عوامل تبیین‌کننده تربیت جنسی (روش‌های تربیت جنسی، عوامل خانوادگی و ویژگی‌های شخصیتی) روش‌های تربیت جنسی از بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی برخوردار است (حسینی خیرآبادی و همکاران، ۱۳۹۹). برنامه جامع آموزش جنسی، برنامه‌ای است که با بسیاری از اعتقادات و باورهای دینی، ارزش‌ها، هنجارهای جامعه کنونی ایران همخوانی دارد (شیربیگی و همکاران، ۱۴۰۰). اهداف تربیت جنسی شامل تدارک دانش، مهارت و نگرش لازم برای هدایت صحیح امور جنسی در فرد و زندگی اجتماعی است (صمدی و قلاوند، ۱۴۰۱).

بدون تردید یکی از کنشگران اصلی و تأثیرگذار مرتبط با آموزش جنسی دانش‌آموزان، معلمان و مربیان بهداشت هستند که تجربه زیسته مطلوبی در خصوص ابعاد مختلف مسائل جنسی دانش‌آموزان دارند و می‌توانند توصیف و تفسیری دقیق و جامع از آنچه در مدارس و در رابطه با موضوع آموزش جنسی می‌گذرد ارائه کنند. همچنین این افراد امکان تأثیرگذاری عمیق بر آموزش مهارت‌های جنسی و رفتار جنسی دانش‌آموزان دارند. در همین راستا بروک<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) معتقد است، آموزش جنسی که توسط معلمان صورت می‌گیرد اثرات سودمندی بر نگرش جنسی کودکان و ارزش‌گذاری آنان دارد و بهترین روش آموزش جنسی از راه برنامه‌ریزی آموزشی است. بنابراین مسئولین آموزش و پرورش که در این دوره با نوجوانان سروکار دارند نقش مهمی در این مورد خواهند داشت (عزیززاده فروزی و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۲). یکی از راه‌های مطلوب دسترسی

به واقعیت مسائل مرتبط با آموزشی جنسی دانش‌آموزان پرداختن به دیدگاه‌ها و تجارب این افراد است. بر این اساس پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تفسیری و نگاه از درون (امیک<sup>۱</sup>) و با هدف واکاوی تجارب مریبان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس متوسطه پسرانه اول شهر اصفهان و ارائه الگوی مرتبط با آموزش جنسی به دنبال این بوده است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. معلمان و مریبان بهداشت چه درک و تفسیری از آموزش جنسی در مدارس دارند؟ ۲. از نظر آن‌ها شرایط تأثیرگذار بر آموزش جنسی دانش‌آموزان کدام‌اند؟ ۳. مهم‌ترین راهبردهای مدنظر آن‌ها در رابطه با آموزش جنسی کدام‌اند؟ ۴. مهم‌ترین پیامدهای مرتبط با این راهبردها چیستند؟

## ۲. روش

روش پژوهش حاضر نظریه داده‌بنیاد بوده است. نظریه داده‌بنیاد، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند (استراوس و کوربین<sup>۲</sup>؛ ترجمه افشار ۱۳۹۱: ۳۴). رویکرد مورد استفاده در این پژوهش رویکرد سیستماتیک یا نظام‌مند بود. رویکرد سیستماتیک بر استفاده از مراحل کدگذاری باز<sup>۳</sup>، محوری<sup>۴</sup> و گزینشی<sup>۵</sup> و ارائه پارادایم منطقی یا تصاویر بصری از تولید نظریه تأکید دارد (کرسول، ۲۰۱۲: ۴۲۴). از آنجایی که هدف اصلی پژوهش حاضر نخست واکاوی تجربیات مریبان بهداشت در خصوص آموزش جنسی و در ادامه تدوین این تجربیات در قالب یک الگوی داده‌بنیاد بوده است بنابراین از نظریه زمینه‌ای به عنوان مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین رویکرد پژوهش کیفی برای دست‌یابی به این هدف استفاده شد. در واقع در این پژوهش برای واکاوی تجارب مریبان بهداشت و مشاوران از آموزش جنسی در مدارس سعی شد با استفاده از این رویکرد طی فرایند کدگذاری منظم این تجارب کشف و در قالب مقولات مرتبط با الگوی پارادایمی شامل شرایط، راهبردها و پیامدها دسته‌بندی و در نهایت با استفاده از تکنیک یکپارچه‌سازی مورد تفسیر قرار گیرند.

- 
1. Emic
  2. Strauss & Corbin
  3. Open Coding
  4. Axial Coding
  5. Selective Coding

مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...

میدان پژوهش حاضر شهر اصفهان و با توجه به هدف اصلی پژوهش مدارس متوسطه اول پسرانه این شهر بوده است. در واقع از آنجایی که در پژوهش‌های کیفی پژوهش‌گر به منظور گردآوری داده‌ها با افرادی ارتباط برقرار می‌کند که بتوانند در رابطه با مسئله پژوهش داده‌های غنی و تفصیلی در اختیار پژوهش‌گر قرار دهند مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر مربیان بهداشت مدارس متوسطه شهر اصفهان در زمان مطالعه هستند که در زمینه مورد مطالعه از اطلاعات لازم برخوردار بودند. در واقع همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد از آنجایی که مربیان بهداشت تجربه زیسته مطلوبی در خصوص ابعاد مختلف مسائل جنسی دانش‌آموزان دارند و می‌توانند توصیف و تفسیری دقیق و جامع از آنچه در مدارس و در رابطه با موضوع آموزش جنسی می‌گذرد ارائه نمایند، بنابراین این افراد به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

جدول (۱). مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	تخصص	سابقه کار
۱.	مرد	۳۰	کارشناسی	مددکار	۶
۲.	زن	۴۲	کارشناسی ارشد	مشاوره	۱۲
۳.	زن	۴۵	کارشناسی ارشد	مددکار	۲۰
۴.	مرد	۴۷	کارشناسی ارشد	روان شناس	۳۰
۵.	زن	۴۳	کارشناسی ارشد	روان شناس	۱۸
۶.	زن	۴۵	کارشناسی ارشد	روان شناس	۱۴
۷.	زن	۳۸	کارشناسی ارشد	بهداشت	۸
۸.	مرد	۳۰	کارشناسی ارشد	دبیر	۱۴
۹.	مرد	۴۸	کارشناسی ارشد	مشاوره	۵
۱۰.	مرد	۳۴	کارشناسی	مشاوره	۵
۱۱.	مرد	۲۷	کارشناسی	دبیر	۶
۱۲.	مرد	۳۱	کارشناسی	دبیر	۸
۱۳.	مرد	۳۵	کارشناسی	دبیر	۵
۱۴.	زن	۴۰	کارشناسی ارشد	مشاوره	۸
۱۵.	مرد	۳۲	کارشناسی ارشد	مشاوره	۱۰
۱۶.	زن	۳۵	کارشناسی	دبیر	۷

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	تخصص	سابقه کار
۱۷	مرد	۴۵	کارشناسی ارشد	مشاوره	۱۸
۱۸	مرد	۳۴	کارشناسی	روانشناس	۵
۱۹	زن	۳۰	کارشناسی	روانشناس	۸
۲۰	مرد	۴۰	کارشناسی ارشد	مشاوره	۱۲
۲۱	زن	۳۵	کارشناسی	مددکار	۹
۲۲	زن	۴۳	کارشناسی ارشد	مشاوره	۱۵
۲۳	مرد	۳۰	کارشناسی	روانشناس	۵
۲۴	زن	۴۰	کارشناسی ارشد	مددکاری	۱۲
۲۵	زن	۳۵	کارشناسی ارشد	دبیر	۱۴
۲۶	مرد	۳۵	کارشناسی ارشد	مشاوره	۸
۲۷	زن	۳۴	کارشناسی	مشاوره	۵
۲۸	مرد	۳۱	کارشناسی	دبیر	۸
۲۹	مرد	۴۸	کارشناسی ارشد	مشاوره	۵
۳۰	مرد	۴۵	کارشناسی ارشد	مشاوره	۱۸

در پژوهش‌های کیفی با توجه به اینکه تأکید بر عمق داده‌های گردآوری شده است بنابراین حجم نمونه به تعداد محدودی انتخاب می‌شود. در روش‌های مختلف کیفی نیز تعداد حجم نمونه لازم برای کفایت اشباع داده و اطلاعات متفاوت است. بر این اساس در پژوهش حاضر تعداد ۳۰ نفر از مشارکت‌کنندگان پژوهش (مربیان بهداشت) به‌عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شدند.

شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند- نظری بود. با مدنظر قرار دادن ماهیت پدیداری پژوهش کیفی و انتخاب مبتنی بر معیار نمونه، از شیوه نمونه‌گیری هدفمند (کرسول، ۲۰۰۹: ۱۷۸) و با توجه به رویکرد روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد از نمونه‌گیری نظری (استراوس و کوربین؛ ترجمه افشار ۱۳۹۱: ۲۱۹) استفاده گردید. نمونه‌گیری نظری بر مبنای مفاهیمی انجام می‌شود که در فرایند تحلیل داده‌ها ظهور و تکوین می‌یابند. بر این اساس برای انتخاب افراد مورد مطالعه در پژوهش حاضر ابتدا مراجعه به آن‌ها به‌صورت هدفمند و در ادامه بر مبنای فرایند تحلیل داده به‌صورت نظری انجام شد.



مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...

ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بوده است. پروتکل مصاحبه شامل تعدادی پرسش زمینه‌ای و مجموعه‌ای از پرسش‌های اصلی در راستای محورهای مرتبط با موضوع مورد مطالعه از جمله توصیف برنامه درسی آموزش جنسی، تناسب آموزش جنسی با واقعیت‌های زندگی جنسی دانش‌آموزان، تجربه مربیان بهداشت از آموزش مسائل جنسی، مسائل و چالش‌های مرتبط با آموزش مسائل جنسی، بخش‌های مورد استقبال و عدم استقبال آموزش جنسی، نقش نهاد خانواده، گروه همسالان، رسانه‌ها و غیره در آموزش جنسی، چگونگی طرح مسائل مرتبط با شناخت مسائل جنسی و آگاهی از واقعیت‌های جنسی در برنامه درسی، چگونگی آموزش مهارت-های ارتباطی مرتبط با مسائل جنسی، چگونگی آموزش رفتارهای پرخطر جنسی، راهبردهای مدیریت و کنترل مسائل جنسی، مهم‌ترین اشکالات و ایرادات برنامه آموزش جنسی، عناصر و مولفه‌های برنامه درسی آموزش جنسی ایده‌آل و غیره بود. قابل ذکر است برای رعایت نمونه‌گیری نظری، علاوه بر پرسش‌های اصلی مربوط به پروتکل مصاحبه، پرسش‌های دیگر در راستای این مفاهیم به‌منظور رسیدن به اشباع داده‌ها نیز مطرح و از افراد مورد مطالعه پرسیده شد. مصاحبه‌ها در یک بازه زمانی شش‌ماهه به انجام رسید. زمان مصاحبه با هر یک از مشارکت‌کنندگان پژوهش بین چهل دقیقه تا یک ساعت بود. قابل ذکر است به منظور جلب رضایت مشارکت‌کنندگان و تعهد به ناشناخته ماندن آن‌ها فرم رضایت آگاهانه در اختیار این افراد قرار گذاشته شد و بعد از کسب رضایت و تعهد پژوهش‌گر به گمنامی و رازداری اقدام به جمع‌آوری داده‌ها شده است. کمابینه در قسمت گزارش یافته‌های پژوهش نیز اصل گمنامی افراد مدنظر قرار گرفته است.

به‌منظور تحلیل داده‌ها از سه شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی (استراوس و کوربین؛ ترجمه افشار ۱۳۹۱) استفاده گردید. ابتدا در مرحله کدگذاری باز مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و متن حاصل از این پیاده‌سازی به‌صورت سطر به سطر کدگذاری و مفاهیم اولیه در راستای اهداف پژوهش مشخص شدند. در مرحله کدگذاری محوری نیز مفاهیمی که به لحاظ فضای مفهومی به هم مرتبط بودند ذیل مقولات فرعی و اصلی دسته‌بندی و ساماندهی شدند. یکی دیگر از اقدامات اصلی در مرحله کدگذاری محوری قرار دادن مقوله‌های اصلی پژوهش در قالب اجزای مدل پارادایمی (شرایط، عمل-تعامل و پیامد) بود. در مرحله کدگذاری گزینشی که با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها برای ظهور مقوله اصلی پژوهش و ارائه نظریه داده‌بنیاد مبتنی بر واقعیت

خاص انجام می‌شود. ابتدا بر اساس فضای مفهومی مقوله‌های اصلی شناسایی شده در مرحله کدگذاری محوری مقوله مرکزی یا هسته پژوهش انتخاب گردید. در ادامه با استفاده از خط داستان برآمده از نتایج پژوهش رابطه بین مقوله‌های اصلی با مقوله مرکزی و همچنین ارتباط بین اجزای مدل پارادایمی به تفصیل توضیح داده شد. برای مدیریت و تحلیل داده‌ها و همچنین بصری‌سازی رابطه بین مفاهیم و مقوله‌ها در چارچوب مدل پارادایمی نسخه ۲۰۲۰ نرم‌افزار MAXQDA مورد استفاده قرار گرفت.

در پژوهش حاضر از شیوه‌های مرسوم اعتباربخشی در روش نظریه داده‌بنیاد شامل اعتباریابی توسط اعضا<sup>۱</sup> (دریافت بازخورد از مشارکت‌کنندگان) و تکنیک ارزیاب یا بازرس خارجی<sup>۲</sup> (کرسول و میلر، ۲۰۰۰) استفاده شده است. به این معنا که در راستای تکنیک اعتباریابی توسط اعضا در یک فرایند رفت و برگشتی در مرحله کدگذاری باز صحت و درستی کدها و مفاهیم استخراج شده توسط تعدادی از افراد مورد مطالعه تأیید شد. در رابطه با تکنیک ارزیاب یا بازرس خارجی یک نفر متخصص حوزه علوم تربیتی یافته‌های پژوهش را مورد ارزیابی و درستی تفاسیر و نتیجه‌گیری به‌وسیله داده‌ها را مورد تأیید قرار دادند.

در خصوص مداخله پژوهش‌گر در فرایند پژوهش باید گفت این مداخله در دو مرحله گردآوری داده‌ها و تحلیل و تفسیر داده‌ها صورت گرفته است. در مرحله گردآوری داده‌ها پژوهش‌گر همزمان با گردآوری داده‌ها کدگذاری باز و تا حدودی کدگذاری محوری را نیز انجام داده است و سعی کرده از طریق یادداشتهای تحلیلی (یادداشت کد، یادداشت نظری و یادداشت عملیاتی) و نمونه‌گیری نظری تأثیر خود را بر فرایند گردآوری داده‌ها به شیوع علمی و مطلوب داشته باشد. در مرحله تحلیل و تفسیر داده‌های پژوهش نیز ضمن توجه به این موضوع که پیش-فرض‌ها و دیدگاه‌های خود را بر یافته‌های پژوهش تحمیل نکند، سعی نموده است تفسیری دقیق و خلاقانه مبتنی بر تجربیات و روایت مشارکت‌کنندگان پژوهش در خصوص پدیده مورد مطالعه ارائه نماید و با استفاده از شیوه‌های اعتباربخشی استفاده شده صحت و درستی این امر را تأیید کند.

### ۳. یافته‌های پژوهش

برنامه درسی آموزش جنسی به‌عنوان پدیده اصلی در پژوهش حاضر مدنظر بوده که بر مبنای یافته‌ها دارای سه بعد اصلی است: آموزش نگرشی، آموزش شناختی و آموزش مهارتی. آموزش نگرش مثبت به خود و دیگران، آموزش عزت‌نفس، آموزش نگرش بدون قضاوت، آموزش مسئولیت‌پذیری، آموزش نگرش مثبت و متعادل به روابط و مسائل جنسی، و تصویرسازی مثبت در زمینه نگرش به بدن از جمله مسائلی است که در بعد نگرشی برنامه آموزش جنسی طرح می‌شود. در بعد شناختی، آموزش شناخت بلوغ و قاعدگی، مسائل مرتبط با تولیدمثل، شیوه‌های پیشگیری از بارداری، آموزش نوع و ماهیت بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز، ارائه اطلاعات در مورد مراحل رشد جنسی و جسمی، شناخت حریم خصوصی جنسی، تشریح ماهیت رفتارهای پرخطر و غیره مطرح می‌شود. بعد مهارتی بر آموزش تفکر انتقادی، مهارت‌های ارتباطی مانند نحوه ارتباط با جنس مخالف، خودسازی، تصمیم‌گیری منطقی، توانایی پرسشگری جنسی، مهارت «نه» گفتن و غیره تمرکز دارد. برنامه درسی آموزش جنسی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد، راهبردهایی برای تحقق آن نیاز است و تحقق این راهبردها پیامدهایی را به دنبال دارد. در ادامه این موارد مورد بحث قرار گرفته‌اند.

جدول (۲). ابعاد پارادایمی، مقولات عمده و خرد

مقوله مرکزی	ابعاد	مقولات عمده	مقولات خرد
		زیست‌بوم خانوادگی	باورهای خانوادگی / دانش جنسی خانواده / ساختار تعاملات خانواده
	شرایط علی	زیست‌بوم اجتماعی	تعصبات اجتماعی / هنجارهای اجتماعی / شرم اجتماعی
		زیست‌بوم آموزشی	فقر آموزش رسمی / فهم و مهارت معلمان / فقر منابع
	شرایط	مجازی شدن جنسی	دسترسی / تأثیرپذیری
آموزش جنسی	مداخله‌گر	محدودیت‌های گفتگومانی	تفکر انکارگرایانه / قوانین محدودکننده
فراگیر	شرایط	واقعیت‌گریزی آموزشی	دوگانه ضرورت-انکار / تقلیل‌گرایی آموزش / فاصله‌مندی از واقعیت

مقوله مرکزی	ابعاد	مقولات عمده	مقولات خرد
	زمینه‌ای	تغییرپذیری منابع	منابع رسمی / منابع آلترناتیو
		بازسازی نظام خانوادگی	گفتگو محور تعاملات / تغییر نگرش / مشارکت عملی / تنظیم خط‌کشی‌ها
	راهبردها	بازسازی نظام آموزشی	تدوین کتب درسی / مهارت‌آموزی مریدان / استفاده از متخصصان / جامعیت برنامه آموزشی / متناسب‌سازی آموزشی / یادگیری مشارکتی
		تعامل‌گرایی نهادی	هماهنگی نهادی / بهره‌مندی نهادی
		هم‌راستایی فرهنگی	هم‌راستایی مذهبی / هم‌راستایی ارزشی
		پیامدهای فردی	تقویت نظام جنسی / تقویت نظام شخصیتی
	پیامدها	پیامدهای اجتماعی	آماده‌سازی زناشویی / تقویت ارزش‌های اجتماعی / کاهش آسیب‌های اجتماعی
	پدیده اصلی	برنامه درسی آموزش جنسی	آموزش نگرشی / آموزش شناختی / آموزش مهارتی

### ۳-۱. شرایط علی

۳-۱-۱. زیست‌بوم خانوادگی: رشد اولیه جنسی آنان در خانواده اتفاق می‌افتد و اولین پرسش‌ها و کنج‌کاوی‌های جنسی آنان نیز در این فضا است که شکل می‌گیرد. اگر ذهنیت جنسی و رفتارها و نگرش‌های جنسی افراد را به عنوان یک منظومه در نظر بگیریم، آغازگاه این منظومه و نظام جنسی، نهاد خانواده است. در مراحل بعد هنگامی که فرد وارد فضاهای دیگری مانند مدرسه و نظام آموزشی می‌شود، این ذهنیت شکل گرفته در نهاد خانواده بنیادی برای فراگیری و بازسازی نظام جنسی وی می‌شود. آموزش‌هایی که فرد در مدرسه برای نمونه فرامی‌گیرد، بر بنیاد ذهنیتی جنسی است که در نهاد خانواده شکل گرفته است. زیست‌بوم خانوادگی دارای سه بعد اصلی باورهای خانوادگی، دانش جنسی خانواده و ساختار تعاملات خانواده است.

«والدین باید بدانند چه موقع و چه طور و چگونه به تربیت جنسی فرزند خود بپردازند و اغلب اولیا به دلیل شرم و حیا، از وظیفه سنگین تربیت جنسی فرزندان خود چشم‌پوشی می‌کنند.»

مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...

۲-۱-۳. زیست‌بوم اجتماعی: زیست‌بوم اجتماعی نظام اجتماعی- فرهنگی جامعه را شامل می‌شود که دربرگیرنده نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. جامعه ایرانی عموماً از طرح آشکار مسائل جنسی به دلایل ذکر شده اجتناب می‌کند. همین مسئله سبب شده است که طرح مسائل جنسی در جامعه ایرانی تبدیل به یک تابو شود. مشخص است که چنین وضعیتی می‌تواند به صورت مستقیم بر برنامه درسی آموزش جنسی تأثیرگذار باشد و آن را مختل کند. هنگامی که باورهای اجتماعی افراد، مخالف طرح مسائل جنسی و به تبع آن آموزش مسائل جنسی باشد، در عمل و از طریق هنجارهای اجتماعی نیز این مسئله بازنمود پیدا می‌کند. جامعه به مرور باورهایی را در سطح اجتماع شکل می‌دهد که بر طبق آن برخی مسائل تابو محسوب می‌شوند (مانند طرح مسائل جنسی) و هنگامی که این تابوها تبدیل به ارزش‌های اجتماعی می‌شوند در درون افراد نهادینه می‌گردند، در چنین وضعیتی افراد نوعی حس روانی آزاردهنده نسبت به طرح چنین مسائلی پیدا می‌کنند و آنگاه که در سطح اجتماعی تکثیر شود شرمی اجتماعی را شکل خواهد داد.

*«دانش جنسی در ایران با باورهایی غلط و غیرجدی و ریاکارانه آمیخته شده که همین امر زمینه را برای سوءبرداشت‌های گوناگون فراهم کرده است.»*

۳-۱-۳. زیست‌بوم آموزشی: منظور از زیست‌بوم آموزشی، عناصر و ابعاد نظام آموزش و پرورش در ایران در سطوح مختلف است که به دنبال آموزش و تربیت دانش‌آموزان است. زیست‌بوم آموزشی تأثیر عمیقی بر برنامه درسی آموزش جنسی خواهد گذاشت. به دلایلی مانند تعصبات اجتماعی و خانوادگی، تابوانگاری مسائل جنسی، هنجارها و باورهای غلط، دستورالعمل‌ها و محدودیت‌های قانونی، آموزش رسمی، منسجم و جامع مسائل جنسی در مدارس ایران وجود ندارد. آموزش‌های موجود بسیار محدود هستند، ماهیت آموزشی دقیق ندارند، محتوای این آموزش‌ها ابتدایی بوده و به صورت سربسته و سطحی طرح می‌شوند. این مسئله سبب شده است که مدرسه و نظام آموزشی که بعد از خانواده می‌تواند مهم‌ترین نقش را در زمینه آموزش جنسی نوجوانان و دانش‌آموزان داشته باشد، نتواند وظایف خودش را ایفا کند. مهارت پایین معلمان و مربیان و فقدان منابع معتبر آموزشی از جمله دیگر مسائل و چالش‌های زیست‌بوم آموزشی است.

«متأسفانه برخی از مربیان، سوالات جنسی را همچون تابویی می‌دانند که نباید به آن نزدیک شد. همین نگرش موجب بروز پیامدهای غیرقابل جبرانی می‌شود».

## ۳-۲. شرایط زمینه‌ای

۳-۲-۱. مجازی شدن فهم جنسی: گسترش روزافزون رسانه‌های ارتباطی به ویژه اینترنت سبب شده که نوجوانان و دانش‌آموزان دسترسی زیادی به اطلاعات جنسی فراوانی که اعتبار آن‌ها مشخص نیست داشته باشند و شناخت جنسی آنان از این طریق ممکن باشد. هر راهبردی که قرار است برای تقویت برنامه درسی آموزش جنسی ارائه شود، باید به این مسئله که نوجوانان به صورت مداوم به اینترنت و فضای مجازی دسترسی دارند، توجه نماید و تلاش کند که از این بستر و فضا استفاده کند.

«امروزه کودکان از طریق رسانه‌های جمعی، از اینترنت تا ماهواره، ناخودآگاه با حجم انبوهی از آگاهی‌ها و تبلیغات جنسی برخورد دارند که تشخیص درستی آن‌ها نیازمند آموزش‌های جنسی به کودکان است».

۳-۲-۲. محدودیت‌های گفتمانی: در سطوح کلان تصمیم‌گیری فرهنگی و آموزشی برخی نگاه‌ها و تفکرات منفی نسبت به طرح و آموزش مسائل جنسی در مدارس وجود دارد. برخی معتقدند که آموزش جنسی ممکن است با ساختار کلان فرهنگی جامعه ایرانی و نظام اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن در تعارض باشد. بر این اساس، آنان تلاش می‌کنند محدودیت‌های دستوری برای عدم آموزش جنسی در مدارس یا حداقل عدم توسعه و پیشرفت آن ایجاد کنند. در کنار این مسائل، فقدان قانون و بخشنامه‌ای بودن آموزش جنسی، سبب سردرگمی مدیران، معلمان و مربیان شده است که قرار است به دانش‌آموزان آموزش جنسی و مسائل مرتبط با آن را ارائه دهند.

«آموزش جنسی خیلی کمه چون اکثراً مخالفت ستادی و کشوری به همراه داشته و معلمان نیز در این زمینه جهت گفتمان موضوع در کلاس محدودیت دارند».

## ۳-۳. شرایط مداخله‌گر

۳-۳-۱. واقعیت‌گریزی آموزشی: یکی از مسائلی که در زمینه آموزش جنسی در مدارس ایران وجود دارد این است که برنامه آموزش جنسی فاصله زیادی از واقعیت‌های موجود اجتماعی، فرهنگی و جنسی جامعه و نیازهای نوجوانان و دانش‌آموزان دارد. در کنار این مسئله فاصله زیادی

مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...  
بین نظام ارزشی و فرهنگی جامعه با برنامه‌هایی که در زمینه آموزش جنسی اجرا می‌شود (به صورت محدود و ناکارآمد) وجود دارد. کاهش یا حذف این فاصله‌مندی می‌تواند گامی مهم برای تدوین و تقویت یک برنامه درسی جامع در زمینه آموزش جنسی باشد.  
«برنامه‌های آموزش جنسی به صورت دوره‌ای و محدود است و مطابق با واقعیت‌های زندگی علی‌الخصوص زندگی دانش‌آموزان نمی‌باشد».

۲-۳-۳. **تغییرپذیری منابع:** منابع آموزشی یکی از اصول بنیادین آموزش در هر حوزه‌ای به ویژه حوزه آموزش جنسی است. این منابع عموماً برگرفته از ارزش‌ها، هنجارها و به‌طورکلی نظام فرهنگی - اعتقادی یک جامعه است. این منابع نباید با یکدیگر در تضاد قرار بگیرند و به نوعی نیاز است که یکدیگر را تکمیل و تقویت کنند. چنین ثباتی در منابع تولید برنامه درسی آموزش جنسی در ایران وجود ندارد و نوعی آشفتگی در این زمینه حاکم است. از یک طرف ما شاهد منابع رسمی (قرآن، سنت، قوانین، ارزش‌های فرهنگی و دینی) برای تدوین برنامه درسی آموزش جنسی هستیم و از طرف دیگر، منابع آلتراپیو (مانند فضای مجازی و رسانه‌ای) در چند دهه اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. این مسئله فرمی از تغییرپذیری منابع را شکل داده که برای طرح هر راهبردی در راستای تحقق یا تقویت برنامه درسی آموزش جنسی ضروری است.

«محتوا باید ناظر بر هدف‌ها باشد و ریشه در فرهنگ و ارزش‌های جامعه داشته باشد».

مهم‌ترین منبع اساسی برای محتوای برنامه درسی قرآن، سنت، عقل، فطرت است».

#### ۳-۴. راهبردها

۱-۴-۳. **بازسازی نظام خانوادگی:** اولین راهبرد تدوین یا تقویت برنامه درسی آموزش جنسی، بازسازی نظام خانوادگی است. بازسازی نظام خانوادگی شامل چهار بعد اصلی است: گفتگو محور، تعاملات، تغییر نگرش، مشارکت عملی و تنظیم خط‌کشی‌ها. نیاز است که والدین و فرزندان در خانواده گفتگو و تعاملات سازنده را در مواجهه با مسائل و کنجکاو‌های جنسی در پیش بگیرند؛ نگرش‌های جزم‌گرایانه، تابوانگاران و شرم‌محورانه در مورد مسائل جنسی در خانواده اصلاح شود؛ والدین به صورت عملی و کاربردی در آموزش جنسی دانش‌آموزان مشارکت داشته باشند و خط‌کشی‌ها و محدودیت‌های افراطی والدین در زمینه مسائل جنسی در خانواده بازتنظیم گردد.

فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۷۲، سال نوزدهم، بهار ۱۴۰۳

«تغییر نگرش خانواده‌ها نسبت به امور جنسی یکی از ضروریات آموزش موضوعات جنسی است. تا خانواده‌ها و والدین تغییر نکنند و رفتار و دیدگاه‌هایشان تغییر نکند فرزندان آموزش جنسی مناسبی در خانواده نمی‌بینند تا بخواهند در مدرسه هم ببینند. خانواده‌ها باید مشارکت داشته باشند در این پروسه».

**۲-۴-۳. بازسازی نظام آموزشی:** دومین راهبرد کلان تدوین و تقویت برنامه درسی آموزش جنسی، بازسازی نظام آموزشی است. بازسازی نظام آموزشی شش بعد را در برمی‌گیرد: تدوین کتب درسی، مهارت‌آموزی مربیان، استفاده از متخصصان، جامعیت برنامه، متناسب‌سازی سنی، و یادگیری مشارکتی. بر این اساس نیاز است که کتب درسی جامع، علمی و کاربردی در زمینه آموزش جنسی در مدارس تدوین شوند، مربیان و معلمان در زمینه آموزش جنسی مهارت‌های خودشان را تقویت کنند، از متخصصان در زمینه تدوین برنامه درسی و همچنین آموزش معلمان و مربیان استفاده شود، برنامه آموزش جنسی در مدارس ماهیتی جامع به خود بگیرد، آموزش‌ها بر مبنای سن و مراحل رشد دانش‌آموزان متناسب‌سازی شود و در نهایت ماهیت آموزش جنسی به صورت مشارکتی دربیاید.

«لازم است که دانش و مهارت مربیان مدارس برای مدیریت رفتارهای جنسی دانش‌آموزان و یاد دادن مسائل جنسی گوناگون به آن‌ها افزایش پیدا کند. اگر معلمان نتوانند و مهارت‌هایی نداشته باشند نمی‌توانند به دانش‌آموزان این مسائل را آموزش بدهند حتی اگر هم دانشش را داشته باشند».

**۳-۴-۳. تعامل‌گرایی نهادی:** سومین راهبرد کلان برنامه درسی آموزش جنسی تعامل‌گرایی نهادی است. تعامل‌گرایی نهادی شامل دو بعد است: هماهنگی نهادی و بهره‌مندی نهادی. بر این اساس نیاز است که نهادهای مختلف هم با یکدیگر در زمینه تدوین سیاست‌های آموزش جنسی و اجرای آن‌ها هماهنگ و هم‌راستا باشند و هم از ظرفیت‌های نهادی یکدیگر برای بهره‌وری بیشتر سیاست‌های آموزش جنسی در مدارس استفاده کنند و ضعف‌های همدیگر را پوشش دهند.

«اگر قرار باشد آسیب‌های جنسی که کودکان و نوجوانان را تهدید می‌کند کاهش دهیم باید خانواده و مدرسه و همه دستگاه‌ها همکاری کنند و هماهنگی ایجاد شود. آموزش و پرورش و



مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...

صداوسیما از نهادهای تأثیرگذاری هستند که در این مسائل می‌توانند در کنار خانواده و مدرسه در امر آموزش کمک کنند».

۳-۴-۴. هم‌راستایی فرهنگی: چهارمین راهبرد کلان برنامه درسی آموزش جنسی هم‌راستایی فرهنگی است. منظور از هم‌راستایی فرهنگی این است که برنامه درسی آموزش جنسی در راستای ارزش‌ها، هنجارها و نظام فرهنگی و مذهبی جامعه ایرانی باشد. این مسئله هم به تقویت محتوای برنامه درسی آموزش جنسی کمک می‌کند و هم مشروعیت نهادی و اجتماعی آن را افزایش خواهد داد. چنین مسئله‌ای در نهایت می‌تواند سبب پذیرش اجتماعی بیشتر آموزش جنسی در مدارس شود.

«آموزش جنسی باید بر اساس مؤلفه‌های دینی و اسلامی باشد و خارج از چارچوب فرهنگ غربی ترویج گردد».

### ۳-۵. پیامدها

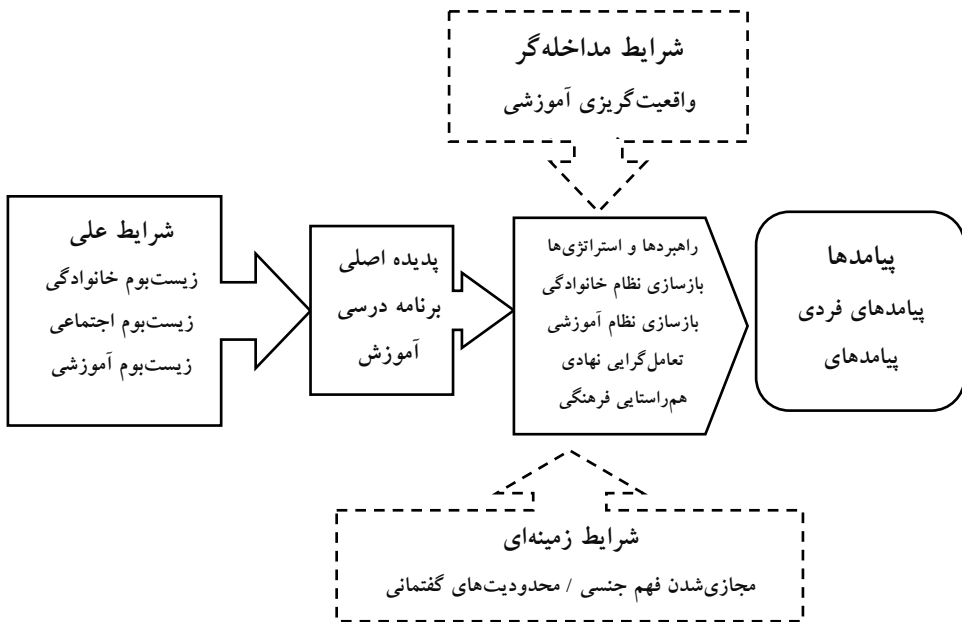
۳-۵-۱. پیامدهای فردی: این پیامدها بر نظام شخصیتی و جنسی نوجوانان و دانش‌آموزان تأثیرگذار هستند. در واقع اگر راهبردها و استراتژی‌هایی که در مورد آن‌ها بحث شد در زمینه برنامه درسی آموزش جنسی تحقق پیدا کنند، نوجوانان و دانش‌آموزان از لحاظ فردی شخصیت بالغ‌تری خواهند داشت و از لحاظ جنسی نیز، ذهنیت آنان منسجم‌تر و سالم‌تر خواهد بود. پیامدهای فردی تحقق راهبردهای برنامه درسی آموزش جنسی دارای دو بعد است: تقویت نظام جنسی و تقویت نظام شخصیتی. بر این اساس آموزش جنسی هم می‌تواند درک، دانش و رفتار دانش‌آموزان از مسائل جنسی را بهبود ببخشد و هم از آنان انسان‌هایی با نظام رفتاری-شخصیتی سالم و کارآمد بسازد.

«این آموزش ثمرات ارزشمندی از جمله احترام به خویش و دیگران، رشد جنسی سالم، کسب هویت جنسی سالم، روابط مناسب بین فردی، تصویر مثبت از خود، روابط سالم زناشویی و ایجاد بهداشت روانی را به دنبال داشته باشد».

۳-۵-۲. پیامدهای اجتماعی: پیامدهای اجتماعی شامل سه بعد اصلی آماده‌سازی زناشویی، تقویت ارزش‌های اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. با آموزش جنسی مناسب، می‌توان امیدوار بود که نوجوانان و دانش‌آموزان آمادگی‌های لازم را برای تشکیل زندگی خانوادگی و موفقیت

بیشتر در زندگی زناشویی که بعدی از زندگی اجتماعی است، به دست بیاورند. همچنین، تحقق راهبردهای برنامه درسی آموزش جنسی می‌تواند ارزش‌های اجتماعی سازگار با سلامت جنسی نوجوانان و دانش‌آموزان در مرحله اول و کلیت جامعه در مرحله بعد را تقویت کند و همزمان می‌تواند ارزش‌های ناسازگار با سلامت جنسی و روانی جامعه را کاهش دهد.

«با این آموزش جلوی بسیاری از بزهکاری‌های جامعه گرفته می‌شود. با این آموزش افراد کمتری به اعتیاد روی می‌آورند. با این آموزش دختران فراری کمتر می‌شوند و بسیاری از خلاف‌های اجتماعی کمرنگ می‌شوند.»



شکل (۱). مدل پارادایمی تجربه مریبان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس

### ۳-۶. مقوله مرکزی: آموزش جنسی فراگیر

آموزش جنسی یک پدیده چندبعدی، فرآیندی و پیچیده است. از یک سو آموزش جنسی باید نگرش‌های نوجوانان و دانش‌آموزان نسبت به مسائل جنسی را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر لازم است آموزش جنسی دانش و سطح شناختی نوجوانان و دانش‌آموزان نسبت به مسائل جنسی

مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...  
را افزایش دهد. بازتنظیم نظام نگرشی نوجوانان و دانش‌آموزان زمینه را برای تقویت نظام شناختی - جنسی آماده می‌کند و پس از مفصل‌بندی این دو بعد، مهارت‌آموزی جنسی در مرحله بعد تحقق پیدا می‌کند. این سه بعد آموزش جنسی به شدت در پیوند با یکدیگر قرار دارند. آموزش جنسی نباید ماهیتی تقلیل‌گرایانه داشته باشد، بلکه باید همه ابعاد را در نظر بگیرد. پیچیدگی مسئله جنس از یک طرف و آموزش مسائل جنسی از طرف دیگر سبب شده است که نهادهای مختلفی درگیر آن باشند. خانواده، مدرسه، نظام آموزشی، رسانه و غیره از جمله این نهادها هستند. یک برنامه درسی آموزش جنسی باید تلاش کند که با ارائه راهبردهای منسجم و جامع، همه این سطوح را به یکدیگر پیوند بزند، از ظرفیت‌های آموزشی آن‌ها بهره ببرد و همزمان که به برنامه درسی آموزش جنسی جامعیت می‌بخشد، با تعاملات نهادی و اجتماعی، مشروعیت برنامه را در سطوح نهادی، اجتماعی و سیاسی افزایش دهد. بنابراین، علاوه بر ماهیت فراگیر آموزش جنسی، برنامه درسی آموزش جنسی نیز باید ماهیتی فراگیر داشته باشد. راهبردهایی که برای تحقق و یا تقویت برنامه درسی ارائه می‌شود نیز باید فراگیر و جامع باشند. بدین معنا که از منابع تولید محتوای جنسی متعدد و جامع استفاده شود، بر مبنای نیازهای دانش‌آموزان و نوجوانان بازتنظیم شود، و با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی جامعه ایرانی هم‌راستایی داشته باشد.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

آموزش جنسی یک ضرورت انکارناپذیر برای جامعه‌پذیری افراد است که عموماً از سنین پایین آغاز می‌شود و همواره تداوم پیدا می‌کند. آموزش جنسی هم نگرش‌های جنسی نوجوانان را تنظیم می‌نماید، هم سطح دانش و شناخت جنسی آنان را تقویت می‌کند و هم به مهارت‌آموزی جنسی آنان کمک می‌کند. برنامه درسی آموزش جنسی این اهداف و راهبردها را در یک برنامه جامع و عملیاتی تنظیم کرده و به دانش‌آموزان و نوجوانان آموزش می‌دهد. عوامل مختلفی بر برنامه درسی آموزش جنسی تأثیرگذار هستند. زیست‌بوم خانوادگی یکی از این عوامل است. نوع تعاملات و روابط اعضای خانواده با یکدیگر، نظام باورها و اعتقادات خانوادگی، ساختار خانواده، سطح دانش جنسی خانواده، سازگاری یا تنش‌های خانوادگی و غیره عواملی هستند که بر آموزش جنسی در نهاد خانواده و بعدها در نهاد مدرسه تأثیرگذار هستند. این نتایج در راستای نظریه دیلوریو و همکاران (۲۰۰۶) است. این نظریه بر بنیاد یادگیری اجتماعی باندورا استوار است. تعامل بین

والدین و روابط اعضای خانواده با یکدیگر می‌تواند فرآیند جامعه‌پذیری و یادگیری جنسی فرزندان را تحت تاثیر قرار دهد. دانش‌آموزان قبل از ورود به مدرسه، ذهنیت و آگاهی جنسی اولیه را در خانواده کسب می‌کنند. هنگامی که ماهیت و نوع تعاملات خانوادگی و ساختار خانواده پذیرای آموزش‌های جنسی مناسب باشد، بسترها و زمینه‌های مطلوبی برای آموزش جنسی دانش‌آموزان در مدرسه ایجاد می‌شود. بنابراین، ساختار تعاملات در خانواده و ماهیت روابط اعضای خانواده با یکدیگر، می‌تواند تسهیل‌گر یا مانعی برای آموزش جنسی دانش‌آموزان در مدرسه باشد. در مقابل، ما با زیست‌بوم اجتماعی مواجه هستیم که نظام ارزش‌ها، هنجارها، باورها و اعتقادات را شامل می‌شود. در کنار این دو زیست‌بوم، زیست‌بوم آموزشی وجود دارد که وظیفه اصلی آموزش جنسی در برنامه درسی را بر عهده دارد. برخی مسائل مانند فقدان آموزش جنسی منسجم، فقدان منابع آموزشی جامع و علمی، ایدئولوژی‌های کلان، تعارضات نهادی، فقدان مهارت‌های معلمان و مربیان، باورهای نادرست آموزشی، روش‌ها و رویکردهای نادرست و غیره باعث شده‌اند که تحقق برنامه درسی آموزش جنسی و تقویت آن با مشکل مواجه شود. عوامل ذکر شده عموماً ماهیتی ساختاری دارند و به سطح کلان مناسبات اجتماعی، آموزشی و سیاسی مرتبط هستند. در واقع، می‌توان گفت که برخی عوامل به صورت رفتاری و فردی بر آموزش جنسی در مدارس [برخی به صورت نهادی و برخی به صورت ساختاری] تأثیر علی دارند. اما در نهایت تعامل مفصل‌بندی‌شده بین این سه سطح است که تأثیرگذاری نهایی را بر آموزش جنسی در مدارس می‌گذارد. برای نمونه، آگاهی جنسی یک کنش فردی است که تحت تأثیر نهادهایی مانند خانواده به صورت فرآیندی و بلندمدت شکل می‌گیرد و عوامل ساختاری مانند ایدئولوژی‌های سیاسی، تعارضات هویتی در زمینه ضرورت آموزش جنسی در سطح کلان نظام تصمیم‌گیری، تسهیل‌گر یا مانع عملی شدن آن (آموزش جنسی) می‌شوند. بنابراین، در اینجا نوعی برهم‌کنش چندسطحی بر آموزش جنسی در مدرسه تاثیرگذار است. این مسئله در مطالعات نظری و تجربی پیشین چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

برای رهایی از این مسائلی که این سه زیست‌بوم اجتماعی، خانوادگی و آموزشی در مسیر برنامه درسی آموزش جنسی ایجاد کرده‌اند، راهبردهای مختلفی در سطوح گوناگون می‌توان پیشنهاد داد. بر مبنای این راهبردها، نیاز است که نظام خانوادگی بازسازی شده و هم‌راستای با

مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...

ضرورت، نیازها و اهداف برنامه درسی آموزش جنسی قرار بگیرد. نظام آموزشی نیز نیاز به بازسازی ساختاری دارد. تدوین کتب درسی منسجم و علمی، ارائه یک برنامه بومی و جامع آموزش جنسی، افزایش مهارت مربیان، استفاده از دیدگاه متخصصان، یادگیری مشارکتی و غیره از جمله راهکارهایی در راستای بازسازی نظام آموزشی در جهت برنامه درسی آموزش جنسی هستند. این نتایج در راستای یافته‌های صمدی و قلاوند (۱۴۰۱) است. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که دانش، مهارت و نگرش لازم در معلمان اهمیتی کلیدی در آموزش جنسی دارد. اگر معلم و مربی دارای دانش و آگاهی جنسی نباشند و مهارت‌های لازم در این زمینه را نداشته باشند، نه تنها آموزش جنسی به درستی صورت نمی‌گیرد، بلکه ممکن است آموزش‌های نامناسب، آسیب‌های روانی، اجتماعی و جنسی را در دانش‌آموزان نیز افزایش دهد. بنابراین، افزایش مهارت مربیان و سازگاری برنامه آموزشی با خاصیت‌های جامعه ایرانی می‌تواند راهبردی محوری در تقویت برنامه آموزش جنسی در مدارس باشد. همچنین نتایج این بخش از پژوهش در راستای نتایج گیلیام و همکاران (۲۰۱۶) است که به نقش بنیادین مشارکت و یادگیری مشارکتی در آموزش جنسی تاکید دارند. در عصر نوین، دانش‌آموزان به دلیل افزایش دسترسی‌های متعدد به منابع غیررسمی آموزش جنسی مانند اینترنت بیش از پیش در معرض خطر قرار دارند. در کنار این مسئله، نااطمینانی موجود در این منابع غیررسمی می‌تواند ذهنیت آنان را به آموزش‌های نادرست شکل دهد. معلمان و مربیان نمی‌توانند به صورت مونولوژی و یک‌طرفه به دانش‌آموزانی که چنین ذهنیتی در آنان شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری است، آموزش دهند. از این رو نیاز است که به صورت مشارکتی و با استفاده از روش‌های خلاقانه و نوین، آموزش‌های جنسی را به دانش‌آموزان ارائه داده و ذهنیت نامطلوب جنسی آنان را به مرور اصلاح نمایند. برای نمونه گیلیام و همکاران (۲۰۱۶) از آموزش جنسی از طریق بازی در کلاس‌های درس بحث می‌کنند. همچنین این نتایج از لحاظ نظری در تعامل با دیدگاه فیشر و فیشر (۲۰۰۰) است که به تلفیق سه عنصر اطلاعات یا آگاهی، انگیزش و مهارت‌های رفتاری [چه در آموزش‌دهندگان و چه در دریافت‌کنندگان برنامه‌های آموزشی] تاکید دارند. از نظر آنان الگوی تلفیقی از سه عنصر فوق، می‌تواند به افراد کمک کند تا رفتارهای پرخطر را کاهش دهند، از پیامدهای منفی رفتارهای پرخطر جنسی پیشگیری کنند و افراد را برای ارتقاء سلامت جنسی راهنمایی کنند. این مسئله در پژوهش حاضر

نیز مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر این، برای تدوین و تحقق برنامه درسی آموزش جنسی نیاز به هماهنگی و تعامل نهادهای مختلف درگیر در مسئله آموزش جنسی با یکدیگر وجود دارد. مسئله آموزش جنسی در مدارس به حدی پیچیده بوده و دارای حساسیت‌های زیاد است که یک نهاد به‌تنهایی نمی‌تواند آن را به سرانجام برساند. بنابراین نیاز است که نهادهای خانواده، رسانه، مدرسه، دانشگاه و غیره در تحقق این امر با یکدیگر همکاری و هماهنگی داشته باشند. برای نمونه، نهاد خانواده می‌تواند بسترهای اولیه برای آموزش جنسی را فراهم کند، مدرسه آن را در عرصه عمل به انجام برساند، دانشگاه متخصصان آموزش جنسی را تربیت کند و رسانه به فرهنگ‌سازی در این زمینه اقدام نماید. در این صورت است که آموزش جنسی و برنامه‌های مرتبط با آن می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. این نتایج در راستای یافته‌های آدوگو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) است. آنان بر نقش نهادهایی مانند پلیس، خانواده و سازمان بهداشت جهانی در سطح کلان و ساختاری در آموزش جنسی منسجم و کارآمد تأکید دارند. به هر حال، مهم این است که تعامل نهادهای مختلف ضرورتی انکارناپذیر برای تحقق و کارآمدی برنامه‌های آموزش جنسی در جامعه ایرانی است. هم‌راستایی ارزشی و فرهنگی راهبرد ضروری دیگر در این زمینه هستند. این دو راهبرد اخیر می‌توانند هم به برنامه درسی آموزش جنسی مشروعیت اجتماعی و نهادی ببخشند و هم جامعیت را برای آن به ارمغان بیاورند. همان‌طور که بحث شد جامعه ایرانی دارای ویژگی‌های ارزشی و هنجاری خاصی است که ممکن است سبب ایجاد حساسیت‌های مذهبی و سیاسی در زمینه آموزش جنسی شود. برای رفع این مسئله، نیاز است که برنامه‌های آموزش جنسی مطابق نظام ارزشی و هنجاری جامعه ایرانی بوده و در تعارض ایدئولوژیک با آن قرار نگیرد. این نتایج در راستای یافته‌های شیرینیگی و همکاران (۱۴۰۰) است. آنان معتقدند که برنامه جامع آموزش جنسی، برنامه‌ای است که با بسیاری از اعتقادات و باورهای دینی، ارزش‌ها، هنجارهای جامعه کنونی ایران همخوانی دارد. بنابراین سازگاری و تطابق برنامه آموزش جنسی با نظام ارزشی، هنجاری و رفتاری جامعه هم امری ضروری است و هم اینکه می‌تواند کارآمدی برنامه جنسی را در عمل نیز تقویت کند.

مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...

عوامل مختلفی می‌توانند زمینه‌های تحقق این راهبردها را تسهیل کنند یا مانعی در راه تحقق آن باشند. مجازی شدن فهم جنسی یکی از این عوامل است. علاوه بر این، محدودیت‌های گفتمانی که در زمینه آموزش جنسی در ایران وجود دارد نیز ممکن است در این زمینه هم تسهیلگر و هم مانع باشند. تعامل‌گرایی نهادی می‌تواند به تسهیلگری گفتمانی کمک کرده و شدت محدودیت‌های گفتمانی را کاهش دهد. این نتایج در راستای بخشی از یافته‌های حاجی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) است. علاوه بر این زمینه‌ها، برخی عوامل نیز وجود دارند که در تحقق یا عدم تحقق راهبردها مداخله‌گری می‌کنند و به نوعی بر راهبردها تأثیرگذار هستند. فاصله زیادی بین نیازها و واقعیت‌های موجود با برنامه‌های درسی آموزش جنسی وجود دارد، فرمی ایدئولوژیک بر این روایت حاکم است و تعارضاتی وجود دارد. علاوه بر این، تغییرپذیری منابع و شکل‌گیری منابع آترناتیوی مانند اینترنت، تلویزیون و ماهواره می‌تواند راهبردهای تدوین یا تقویت برنامه درسی آموزش جنسی را تحت تأثیر خود قرار دهند. اگر این راهبردها تحقق پیدا کنند، انتظار می‌رود هم پیامدهای فردی و هم پیامدهای اجتماعی مثبتی داشته باشند (نگاه کنید به فیشر و فیشر، ۲۰۰۰). پیامدهای فردی تقویت نظام جنسی و تقویت نظام شخصیتی را شامل می‌شوند و پیامدهای اجتماعی دربرگیرنده مواردی مانند سازگاری زناشویی، تقویت ارزش‌های اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی هستند. این نتایج در راستای یافته‌های مُطلب و محمد (۲۰۱۲) است. آنان معتقدند که برنامه آموزش جنسی می‌تواند سبب کاهش بیماری‌های اجتماعی و آسیب‌های روانی-اجتماعی در میان دانش‌آموزان شوند.

با این وجود، مسئله بنیادی بسترمندی فرهنگی-اجتماعی برنامه آموزش جنسی در مدارس است. جامعه ایرانی دارای الزامات فرهنگی و دینی خاصی است که ممکن است برنامه‌های آموزش جنسی دیگر جوامع با آن منطبق نباشد. به همین دلیل، فهم این زمینه‌ها و لحاظ نمودن آن‌ها در برنامه آموزش جنسی در مدارس یک ضرورت است؛ مسئله‌ای که یافته‌های پژوهش حاضر نیز در ابعاد مختلف آن را مورد تأکید قرار داده است. برای تحقق و عملکرد بهتر برنامه آموزش جنسی پیشنهادهای کاربردی متعددی را می‌توان ارائه داد که مهمترین آن‌ها در بخش راهبردها و استراتژی‌های تحقق برنامه آموزش جنسی در مدارس ارائه گردید. با این وجود، بر مبنای نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که جلسات مشترک بین خانواده‌ها، مربیان و معلمان، مدیران

مدارس، متخصصان دانشگاهی و متصدیان رسانه‌های رسمی برای ایجاد فهم مشترک و منسجم در زمینه آموزش جنسی به صورت دوره‌ای و مداوم برگزار شود. این امر می‌تواند نقاط ضعف و قوت برنامه‌های آموزش جنسی را مشخص کرده و در نهایت به تقویت کارآمدی آن کمک نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود که مربیان و معلمان که قرار است آموزش جنسی در مدارس را بر عهده داشته باشند در دوره‌های تخصصی یادگیری نحوه آموزش جنسی و تکنیک‌های نوین در این زمینه شرکت داده شوند. نهاد دانشگاه و متخصصان دانشگاهی می‌توانند در این زمینه نقش مهمی داشته و به مربیان آموزش دهند. در نهایت، این امر می‌تواند دانش و مهارت مربیان آموزش جنسی در مدارس را به‌روز کرده و میزان خلاقیت و نوآوری آنان در آموزش جنسی را بهبود بخشد.

### منابع

- استراوس، انسلم و کورین، جولیت. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی
- امینی، محمد، تمنایی فر، محمدرضا، و پاشایی، رقیه. (۱۳۹۰). بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان. پژوهش‌های برنامه درسی، (۱)، ۱۶۹-۲۰۲.
- بیگی، رضا؛ فقیهی، علیرضا؛ ناطقی، فائزه. (۱۳۹۶). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۳(۴۵)، ۳۹-۲۱.
- حاجی‌پور، حامد؛ برخوردار، رمضان و کشاورز، سوسن. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۸(۱)، ۱۵۹-۱۳۶
- حسینی خیرآبادی، سیدحسن؛ مومنی مهمویی، سیدحسین؛ زیرک، مهدی؛ اکبری، احمد. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر تربیت جنسی دانش آموزان نوجوان شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹. مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، ۸(۳)، ۸۶-۹۳.
- رزاقی، رضا. (۱۳۹۵). ارزیابی سلامت جنسی نوجوانان تحت مراقبت شبانه‌روزی و اثربخشی برنامه جامع آموزش جنسی (تربیت جنسی) بر ارتقاء دانش، نگرش و خودپنداره جنسی، رساله دکتری تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.



- مربیان بهداشت از آموزش جنسی در مدارس واکاوی تجارب ...
- سبحانی نژاد، مهدی؛ همایی، رضا و علین، حمید. (۱۳۸۶). بررسی تحلیل سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۲۱(۶)، ۲۷-۴۸.
- شیربگی، مریم؛ اسماعیلی، زهره؛ سعیدی پور، بهمن و سردی، محمدرضا. (۱۴۰۰). ارائه الگوی تربیت جنسی در ایران بر مبنای برنامه جامع آموزشی جنسی (CSE). فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۷(۳): ۲۰۸-۱۷۷
- صمدی، پروین؛ قلاوند، زهره. (۱۴۰۱). سنتز پژوهشی عناصر برنامه درسی تربیت جنسی در دوره آموزش عمومی. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲(۱۵۰)، ۷-۲۶
- عزیززاده فروزی، منصوره؛ محمدعلیزاده، سکینه؛ پورابولی، بتول و نظری، طاهره. (۱۳۸۰). بررسی نظرات معلمان شهر کرمان در مورد نکات مورد لزوم در آموزش جنسی به نوجوانان. مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی یزد، ۹(۴)، ۹۷-۹۱
- کرسول، جان دلبیو و پلانو کلارک، ویکی ال. (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش ترکیبی (ترجمه علیرضا کیامنش و جاوید سرایی). تهران: نشر آبیژ
- Adogu, P., Udigwe, I., Udigwe, G., & Ubajaka, C. (2014). Review of problems of adolescent sexual behavior and the role of Millennium Development Goals 4, 5 and 6 in Nigeria. *International Journal of Clinical Medicine*, 5(15), 940.
- Bonjour, M., & Van Der Vlugt, I. (2018). *Comprehensive sexuality education*. Knowledge File. Utrecht, Rutgers.
- Corbin, J. & Strauss, A. (2015). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks, CA: Sage
- Crcler, G. (2000). *Introduction to sexual education*. New York, W.H
- Creswell, J. W. (2009). *Research Design, Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining Validity in Qualitative Research. *Theory into Practice*, 39(3), 124 -130.
- Creswell, J.W. (2012). *Educational Reserach: Planning, Conducting and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*, Boston: Pearson
- de Matos, M. G., Reis, M., Ramiro, L., Ribeiro, J. L. P., & Leal, I. (2014). Sexual education in schools in Portugal: evaluation of a 3 years period. *Creative Education*, 5(15), 1353-1362.
- DeLamater, J. (2007). Gender equity in formal sexuality education, *Handbook for achieving gender equity through education*, 411-420.

- DiClemente, C. C., & Prochaska, J. O. (1982). Self-change and therapy change of smoking behavior: A comparison of processes of change in cessation and maintenance. *Addictive behaviors*, 7(2), 133-142.
- DiIorio, C., McCarty, F., & Denzmore, P. (2006). An exploration of social cognitive theory mediators of father-son communication about sex. *Journal of Pediatric Psychology*, 31(9), 917-927.
- Fisher, J. D., & Fisher, W. A. (2000). Theoretical approaches to individual-level change in HIV risk behavior, In *Handbook of HIV prevention* (pp. 3-55). Springer, Boston, MA.
- Gilliam, M., Jagoda, P., Heathcock, S., Orzalli, S., Saper, C., Dudley, J., & Wilson, C. (2016). LifeChanger: A pilot study of a game-based curriculum for sexuality education, *Journal of pediatric and adolescent gynecology*, 29(2), 148-153.
- Goldfarb, E. S., & Lieberman, L. D. (2021). Three decades of research: The case for comprehensive sex education, *Journal of Adolescent Health*, 68(1), 13-27.
- Keogh, S. C., Stillman, M., Awusabo-Asare, K., Sidze, E., Monzón, A. S., Motta, A. and Leong, E. (2018). Challenges to implementing national comprehensive sexuality education curricula in low- and middle-income countries: Case studies of Ghana, Kenya, Peru and Guatemala, *PLoS One*, 20(2), 119-137
- Kontula, O. (2010). The evolution of sex education and students' sexual knowledge in Finland in the 2000s, *Sex education*, 10(4), 373-386.
- Madandar Arani, Ph.D. A. (2015). *Comparative Studies in Education: Application of New Research Methods*. QJFR, 12 (2) ,69-89
- Mutalip, S. S. M., & Mohamed, R. (2012). Sexual education in Malaysia: accepted or rejected?, *Iranian journal of public health*, 41(7), 34.
- Nagpal, A. N., & Fernandes, C. (2015). Attitude of parents toward sex education. *The Int J Indian Psychol*, 2(4), 38-43.